پابلو نرودا در راه فیلم شدن

گروه ادب و هنر | کمپانی «Participant Media» می‌خواهد سراغ یکی از مطرح‌ترین چهره‌های شعر جهان برود و از زندگی او فیلم بسازد. پابلو لارن می‌خواهد از پابلو نرودا، شاعر برنده نوبل شیلیایی فیلم بسازد. در این فیلم لوئیس جنکو در نقش پابلو نرودا بازی می‌کند. گیلرمو کالدرون نمایشنامه‌نویس شیلیایی هم فیلمنامه آن را می‌نویسد. این فیلم محصول مشترک سینمای شیلی، فرانسه، اسپانیا و آرژانتین خواهد شد. او شاعری است که در زمان زندگی‌اش فعالیت‌های سیاسی هم داشت و در ۶۹ سالگی در بیمارستان درگذشت. مرگی که هنوز پس از سال‌ها مورد تردید است و مشخص نیست آیا این شاعر سیاست‌پیشه بر اثر ابتلا به بیماری سرطان پروستات درگذشت یا به قتل رسیده است.

نسخه سخنگوی وزارت ارشاد برای «رستاخیز»:

افکت نوری روی تصویر عباس(ع)

گروه ادب و هنر | حسین نوش‌آبادی، سخنگوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در نشست رسانه‌ای که برگزار کرد درباره اکران فیلم «رستاخیز» سخن گفت. فیلم ساخته احمدرضا درویش که پس از کسب پروانه نمایش به سرعت از سر در سینماها پایین آمد و وزارت ارشاد گفت تا کسب رضایت علما این فیلم اکران نمی‌شود. با این همه نوش‌آبادی از اکران این فیلم در آینده‌ای نزدیک خبر داد و گفت: «مواضع وزارت ارشاد درباره اکران فیلم «رستاخیز» بیان شده است. فیلم «رستاخیز» از جمله فیلم‌های ارزشمند و فاخر سینمای ایران است که پس از اولین نمایش در سی و دومین جشنواره فیلم فجر، مواضع مخالف و موافق بسیاری درباره اکرانش وجود داشت.»

اکران «رستاخیز» منوط به رضایت علما و درویش

نوش‌آبادی شرحی بر آنچه بر این فیلم گذشته هم ارائه داد و گفت ۴۰ دقیقه از فیلم با مشورت کارگردان حذف شده بود، اما حذفیات این فیلم باز هم نتوانست توجه علما را جلب کند، بنابراین سخنگوی وزارت ارشاد در این نشست گفت: «پس از اکران به دلیل دلنگرانی‌های مراجع مبنی بر نشان دادن چهره حضرت عباس(ع)، وزارت ارشاد تصمیم گرفت به پاس احترام به نظر مراجع، اکران این فیلم را به حالت تعلیق درآورد.» اما به گفته نوش‌آبادی قرار است این مشکل هم حل شود و او درباره مرتفع شدن آن هم گفت: «مشکل به‌وجود آمده در فیلم «رستاخیز» به همت کارگردان و تهیه‌کننده فیلم و قرار دادن افکت نوری در صورت بازیگری که نقش قمر بنی‌هاشم را بازی می‌کند، حل می‌شود، اما موضع صریح وزارت ارشاد این است که این فیلم باید اکران شود و من امیدوارم احمدرضا درویش که یکی از کارگردانان صاحب‌نام در سینمای ایران است، همکاری لازم را داشته باشد تا مخاطبانی که در انتظار دیدن یک فیلم فاخر از سینمای دینی ایران هستند، به مراد دل‌شان برسند.»

نوش‌آبادی می‌گوید احمدرضا درویش هنوز حاضر نشده تغییراتی که وزارت ارشاد می‌خواهد را در فیلمش ایجاد کند و عوامل فیلم «رستاخیز» نیز نامه‌ای به رئیس جمهوری ارسال کرده‌اند که هنوز این نامه بی‌پاسخ مانده است. سخنگوی وزارت ارشاد در واکنش به ارسال نامه گفت: «واقعیت این است که رئیس دولت یازدهم نگاه روشنی به مقوله هنر و تولید فیلم‌های دینی دارد و طبیعی است که شخص رئیس جمهوری هم می‌خواهد مشکل فیلم «رستاخیز» حل شود.»

با این همه نوش‌آبادی این تذکر را هم می‌دهد برخوردهایی ایجاد نشود که جرات و انگیزه فیلمسازان در ساخت فیلم‌های دینی کمرنگ شود، زیرا فیلمسازانی که وارد ساخت فیلم‌های دینی می‌شوند با عشق و تعهد کار می‌کنند. او معتقد است باید این فرصت را به تهیه‌کننده و فیلمسازان داد تا فیلم‌های دینی را بسازند و اگر ایراد کوچکی هم بر فیلم قائل هستیم با مدارا و سعه‌صدر از کنار آن عبور کنیم و اجازه رونق سینمای دینی را بدهیم.

> نوش‌آبادی: موضع صریح وزارت ارشاد این است که این فیلم باید اکران شود و من امیدوارم احمدرضا درویش که یکی از کارگردانان صاحب‌نام در سینمای ایران است همکاری لازم را داشته‌باشد

«محمد(ص)» اکران می‌شود

حسین نوش‌آبادی از فیلم فاخر مذهبی دیگری هم خبر داد که قرار است اکرانش را به‌زودی آغاز کند. فیلم «محمد (ص)» ساخته مجید مجیدی که قرار بود در شهریور اکران عمومی شود اکرانش به نیمه دوم این ماه موکول شد. نوش‌آبادی دلیل این تاخیر را چنین عنوان کرد: «به دلیل اینکه نیازمند تجهیز سالن‌های بسیاری در سطح کشور برای اکران شدن این فیلم بودیم، ناگزیر شدیم اکران را به تعویق بیندازیم.

در حال حاضر ۱۰۰ سالن مجهز شده‌اند تا فیلم «محمد(ص)» در نیمه دوم شهریور به نمایش گذاشته شود.»

از موسیقی زیرزمینی تا بازسازی تئاترشهر

حسین نوش‌آبادی در بخش دیگری از صحبت‌هایش به موسیقی و گزینه ریاست دفتر موسیقی پس از استعفای پیروز ارجمند اشاره کرد و گفت: «گزینه دفتر موسیقی نهایی نشده و در آینده نزدیک اطلاع‌رسانی صورت می‌گیرد. گزینه‌ها در حال بررسی هستند، اما قطعا فرد مناسب دیگری برای خالی نبودن این کرسی در نظر داریم.»

یکی از سوال‌های خبرنگاران در این نشست از حمایت کردن خواننده‌های موسیقی زیرزمینی و اجازه فعالیت دادن و برگزاری کنسرت برای آنها بود که وی در این‌باره گفت: «دوست داریم خواننده‌های زیرزمینی به مرحله‌ای برسند که فعالیت‌های زیرزمینی خود را تعطیل کنند و به شکل قانونمند به اصطلاح به روی زمین بیایند و ما هم استقبال می‌کنیم از اینکه افراد هدایت شوند و راه جدیدی را برای حضور خود در مجامع هنری انتخاب کنند و اگر استعدادی وجود دارد، استعدادشان را در راستای هویت‌بخشی به فرهنگ ایرانی و اسلامی ارائه دهند.»

کافه تئاتر

مروری بر نمایشنامه «فهرست» به بهانه اجرای آن در تالار حافظ

خیابان ملال‌انگیز رویاها

ایمان زین‌علی

روژه‌ویچ به شاعری شهره است؛ چه در زادگاهش، در لهستان و چه در میان اهل ادب در جهان. نمی‌توان از آثار نمایشی او نوشت و به شاعرانگی آشکار و نهان در متن‌هایش نپرداخت؛ اما از میان همه آثار نمایشی‌اش «فهرست» یکی از شاعرانه‌ترین متن‌های اوست. آنجا که نمایشنامه‌نویس از دنیای مرسوم درام به کلی جدا می‌شود و در قالب کاراکترها و موقعیت‌های دراماتیزه‌شده شعر می‌سراید؛ بی‌رحم و خشمگین و یاس‌آلود. او در آغاز این متن می‌نویسد: «فهرست شخصیت‌ها را ارائه نمی‌کنم. قهرمان این نمایش، مردی است که نه سن و سال معینی دارد، نه کار مشخصی و نه ویژگی ظاهری خاصی». روژه‌ویچ قهرمانش را از هر گونه فردیتی (اگر که از مقوله جنسیت چشم‌پوشی کنیم) خالی می‌کند؛ از هر آنچه که سبب تمایزش با مخاطب می‌شود، تا شاید که تعمیم‌پذیرتر باشد، تا از همین ابتدا سفره تفسیر و تاویل را پهن کند؛ هم در آغاز که خود پیش از شروع نمایش به تفسیر متن مرتکب می‌شود و هم در میانه‌های آن، در شرح صحنه. همچون که در ادامه سرآغاز متنش می‌نویسد: «قهرمان این نمایش اغلب اوقات دست از قهرمان بودن می‌کشد و جای خود را به دیگران [دیگر کاراکترهای نمایش] می‌دهد؛ دیگرانی که به نوبه خود قهرمان می‌شوند....» قهرمان «فهرست» در اتاقی در بسته محبوس است؛ در انزوایی خودخواسته، زیر یک خروار لحاف، روی تخت. کنش قهرمانانه‌ای در کار نیست. قهرمان، دل‌زده از هستی‌اش، از آنچه بر انسان گذشته و می‌گذرد و او را تا جانوری پست همچون سگ تنزل می‌دهد، به تختش پناهنده شده است. تنها عبور و مرور رویاها از بالین مرد، گاه واکنشی هر چند اندک برمی‌انگیزد که در بخش‌هایی از نمایش، کاراکتر، تختخواب را به همان واکنش‌های اندک نیز ترجیح می‌دهد. از این نظر انتخاب عنوان «قهرمان» برای کاراکتر اصلی نمایش خود به تنهایی کنایه‌آمیز است؛ چراکه قهرمان از هر گونه عمل قهرمانانه‌ای پرهیز می‌کند یا ناتوان از آن است، منفعل است و مکان نمایشی در سر تا سر اثر، (اتاق و تختخواب) بر این انفعال دامن می‌زند.

کجا آشناتر از اتاق خواب برای هجوم رویاها؟ کدام موقعیت نمایشی به اندازه بی‌خوابی بهانه‌ای‌ست مرسوم‌تر برای مواجهه با رویاها؟ رویاهایی که به ظاهر همگی ریشه در گذشته «قهرمان» دارند؛ رفتگان یکی پس از دیگری بر صحنه ظاهر می‌شوند بی‌آنکه نسبت هر یک از آنها با «قهرمان» قطعی و ثابت باشد؛ چطور می‌تواند این‌گونه باشد وقتی خود «قهرمان» نیز هویت ثابتی ندارد؛ زمانی «دد» صدایش می‌کنند و زمان دیگری «ژاک» و دیگر زمانی «کازیمیر» و.... رفتگان هر کدام با حضور بر صحنه یادآور حادثه‌ای در گذشته هستند؛ حادثه‌ای که حالا به وقوع پیوستن‌شان در زندگی کاراکتر نیز حتمی نیست. آنچنان که در جهان مردگان و خاطرات و رویاها هیچ‌چیز رنگ و بویی از قطعیت ندارد؛ همه‌چیز در برزخی میان تصور و رخداد معلق می‌ماند. «قهرمان» در دادگاه که قاضیانش تماشاگرها و وکلای مدافع‌اش مردگانند، اعتراف می‌کند. اعتراف به بی‌کفایتی، سهل‌انگاری، جنایات جزئی (از دزدکی خوردن قند تا کشتن تدریجی مادربزرگ)، بی‌تفاوتی و دست داشتن در حوادثی که حقانیت‌شان تا انتها بر مخاطب پوشیده است.

اتاق خواب قهرمان به تدریج به تصرف مردگان درمی‌آید؛ گذرگاه برای عبور رویاها، به تعبیر روژه‌ویچ «یک خیابان»، «پیاده‌رو». نویسنده در ادامه، در شرح صحنه، از اتاق نامیدن مکان نمایش اجتناب می‌ورزد؛ کاراکترهایی که همه رویا هستند، با «قهرمان» همبستر می‌شوند و قلمروی‌شان را تا تختخواب او گسترش می‌دهند. این شاید تنها خط پیش‌رونده نمایشنامه فهرست باشد، جز این هر چه که بر صحنه اتفاق می‌افتد، همگی در یک فرآیند ملال‌آور مدام تکرار می‌شوند. چندان که نویسنده در خلال نمایش، گروه اجرایی را در افتادن پرده پایانی در میانه کار مختار می‌گذارد و تاکید می‌کند که در ادامه متن چیزی بیش از آنچه در حال وقوع است، رخ نخواهد داد؛ نه یک بار و دو بار، بلکه چند بار. نویسنده صحنه‌هایی تحت‌عنوان «صحنه پیشنهادی» نوشته و یادآوری کرده است که این صحنه‌های پیشنهادی الزام اجرایی ندارند؛ می‌توانند توسط گروه نمایش دیده یا نادیده گرفته شوند یا گروه از میان این دو «صحنه پیشنهادی» یکی را برای اجرا انتخاب کند.

> «قهرمان» از منظر روژه‌ویچ، وجدان نیمه‌بیدار انسان معاصر است انگار. او در خلوت، خود را تسلیم ماهیت پست انسان امروز می‌کند: مواجه می‌شود و می‌پذیرد؛ اما بر نمی‌تابد

در طول نمایش، کمتر پیش می‌آید که موقعیت‌ها و رخدادهای گذشته از تاخر و تقدم زمانی ویژه‌ای پیروی کنند؛ دست‌کم اغلب چنین است. مانند ابیات یک غزل که هر کدام می‌توانند پیش یا پس از یکدیگر ظاهر شوند، بی‌آنکه روایت و مضمون برآمده از کلیت شعر مختل شود. انگار که در «فهرست» روایت تنها یکی باشد: سقوط انسان به قعر توحش. «قهرمان» از منظر روژه‌ویچ، وجدان نیمه‌بیدار انسان معاصر است انگار. او در خلوت، خود را تسلیم ماهیت پست انسان امروز می‌کند: مواجه می‌شود و می‌بیند و می‌پذیرد؛ اما بر نمی‌تابد. از همین‌رو در سراسر نمایش خشمی جاری است که نویسنده اصراری بر پنهان کردنش ندارد؛ مانند تشبیه‌ها و استعاره‌هایی که در شخصیت کاراکترها عیان است؛ یکی به سگ تشبیه می‌شود و دیگری استعاره‌ای از یک شهروند سر به زیر دهان بسته در برابر سیستم است. در حقیقت، صراحت حاکم بر متن لایه پنهان مانده چندانی برای کشف آن باقی نمی‌گذارد. این همه تکرار و ارائه و چندپارگی روایی و فراغت از روابط علی و معلولی رویدادهای گذشته و من تعمیم‌پذیر «قهرمان»، ساختار روایی «فهرست» را به یک شعر عاصی و یاس‌انگیز شبیه‌تر می‌کند تا یک نمایشنامه با قید و بندهای مرسومش. «فهرست» اولین‌بار به همت نشر بیدگل و با ترجمه محمدرضا خاکی منتشر شد و تابستان امسال، رضا ثروتی آن را در تالار حافظ اجرا کرد.

یادداشت

نگاه به مجموعه داستان «ماهی‌های کف رودخانه» نوشته مهدی رجبی

پرگویی عامدانه

آرش آذرپناه
منتقد

مهدی رجبی در داستان‌های کوتاهش در مجموعه «ماهی‌های کف رودخانه»، روایت‌های مفصل و پرحوصله‌ای را از طرحی منسجم و از پیش‌اندیشیده ارائه می‌دهد. این پرحوصلگی بیش از آنکه در داستان‌ها حجم زیاده‌گو یا ملال‌آوری از روایت را ایجاد کنند، سبب بسط بیشتر طرح داستان و نگاه داشتن تعلیق داستانی می‌گردند. مثلا در داستان «زندگی در آن سوی رودخانه» که مفصل‌ترین داستان مجموعه است، تا کنش‌های زن مرموز داستان با گسترش کافی روایت کامل نشود، گره‌گشایی نویسنده در پایان داستان ضربه‌زننده نخواهد بود. رجبی در تمام داستان‌هایش به این مساله به خوبی واقف است و از این‌رو زمان روایت‌هایش را استادانه تنظیم می‌کند. در حقیقت می‌توان بزرگ‌ترین نقطه قوت مجموعه داستان ماهی‌های کف رودخانه را تناسب زمانی متن روایت با زمان قصه دانست که از زمان‌پریشی ناشی از تفاوت «زمان خواندن داستان» با «زمان کنش‌ها و وقایع» جلوگیری می‌کند. آنچه ژرار ژنت در نظریه «گسست زمانی»اش تحت عنوان «دیرش» زمانی یا Duration در روایت تعریف می‌کند، به تناسب طول زمان داستان با طول سخن روایی برمی‌گردد. رجبی با ضرباهنگ زبانی که در داستان‌هایش تدارک می‌بیند به این تناسب زمانی توجه ویژه‌ای می‌کند. به این ترتیب مثلا زمان کنش‌ها و رویدادها در داستان «روژان» در مقایسه با زمان روایت، ریتم تندتری به این داستان نسبت به داستان «ماهی‌های کف رودخانه» می‌بخشد. به این ترتیب در داستان «ماهی‌های کف رودخانه» طول روایت به طول زمان قصه نزدیک‌تر می‌شود و داستانی با ضرباهنگ کندتر را پدید می‌آورد. با این همه نکته نغز آن است که کندی روایت‌ها در داستان‌هایی که زمان دال (یعنی زمان روایت‌شان) به طول زمان مدلول (یعنی زمان داستان) نزدیک است، به هیچ‌وجه از تعلیق آنها نمی‌کاهد. دلیل این امر را می‌توان روایت یک‌نفس رجبی در داستان‌هایش دانست. مهدی رجبی در روایت داستان‌ها از درنگ یا Pause استفاده نمی‌کند. به گفته تودوروف، درنگ وقتی رخ می‌دهد که زمان سخن در زمان داستان هیچ قرینه‌ای نداشته باشد. برعکس آن نیز زمانی است که یک دوره زمانی به‌طور کامل از قصه کنار گذاشته شده یا حذف می‌شود و تودوروف آن را حالتی می‌داند که زمان داستان قرینه‌ای در زمان روایت نداشته باشد و به آن حذف و ایجاز یا Ellipsis می‌گوید. رجبی به این حذف و ایجاز نیز دست نمی‌زند و به روایت‌هایش اجازه میدان‌داری، گستردگی و حجم بیشتر در خدمت زمان روایت را می‌دهد. به این ترتیب نویسنده مجموعه داستان «ماهی‌های کف رودخانه» در داستان‌هایش، از زمان کنش‌ها به نفع ایجاز غیرلازم مد روز حذفی صورت نمی‌دهد و با این وصف از بخشی از روایت قصه نیز پرش نمی‌کند بلکه برعکس، با پرگویی عامدانه و گسترش طرح به تعلیق روایتی که زمانش حداکثر تناسب را با زمان واقعی رویدادها دارد، می‌افزاید و این‌گونه است که حجم روایت‌های داستان‌های کوتاهش زیاد و پرو پیمان می‌شوند. رجبی در یکی از موفق‌ترین داستان‌های مجموعه‌اش یعنی داستان «دالان‌های ذرت، پاییز و نظامی‌ها» این تعلیق پرحوصله روایت را در خدمت مضمونی شگرف قرار می‌دهد و به همان اندازه که در داستان‌های «ماهی‌های کف رودخانه» و «مرثیه بارانی» که داستان‌هایی واقع‌گرا هستند، موفق است در این داستان نیز قدرت نگهداشتن مخاطب را با روایتی نه‌چندان شتابناک حفظ می‌کند. نگاه داشتن کشش روایی متن با روایتی کند و بدون حذف از زمان قصه، به گمان من بزرگ‌ترین موفقیتی است که یک نویسنده می‌تواند در به قلم آوردن طرح اولیه‌اش کسب کند (چندان که گلشیری را می‌توان استاد این دست روایت‌ها دانست) و مهدی رجبی در مجموعه داستانش به آن دست یافته است. رجبی این تکنیک جادویی روایت را، هم در داستان‌های شگرفی مثل «دالان‌های ذرت، پاییز و نظامی‌ها» و «زندگی در آن سوی رودخانه» و هم در داستان‌های رئالش مثل «ماهی‌های کف رودخانه» و «مرثیه بارانی» به کار می‌بندد تا علاوه‌بر جذب و کشش خواننده در دل روایتی آرام با ریتم یکدست و منظم، مخاطبش را به مخاطبی باحوصله ارتقا دهد.

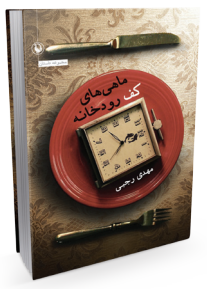

داستان‌های مجموعه «ماهی‌های کف رودخانه» به لحاظ مضمون تقریبا همگی مضامینی تیره و تلخ دارند با این حال می‌توان آن را از معدود مجموعه‌هایی دانست که تقریبا همه داستان‌های آن موفقند، هر چند دو داستان «جن در رختخواب» و تا حدودی داستان «رد تیغ سلمانی» از آن روایت پرحوصله و تناسب زمانی‌ها کمتر برخوردارند و از این رو می‌توان آنها را داستان‌های متوسط مجموعه نامید. مخاطب رجبی در این مجموعه باید دو ویژگی داشته باشد؛ اول حوصله زیادی برای خواندن داستان کوتاه – با روایت‌های نسبتا مفصل‌تر – به خرج بدهد و دوم تحمل این همه تلخی و تیرگی در مضمون داستانی را که می‌خواند، تاب بیاورد. در این صورت حتما درخشش برق داستان‌های مجموعه چشمش را خواهد گرفت.

کافه موسیقی

کنسرت گروه آوازی تهران با حضور رهبر میهمان از نروژ

گروه ادب و هنر | گروه آوازی تهران قرار است ۱۲ و ۱۳ مرداد به رهبری میلاد عمرانلو و پروفسور توماس کاپلین از نروژ در تالار وحدت به اجرای قطعات جدیدی از موسیقی کرال در سبک‌های جز، پاپ و لاتین بپردازد. کاپلین نروژی، آهنگساز و تنظیم‌کننده و رهبر گروه کر و مدرس آواز برجسته در دنیا به شمار می‌رود که با گروه‌های کر مختلف در مسابقات جهانی حضور داشت و موفق به کسب عناوین متعددی هم شد. این رهبر ارکستر و مدرس موسیقی به دعوت آموزشگاه موسیقی «تنال» و گروه آوازی تهران به ایران آمده و علاوه‌بر رهبری گروه آوازی تهران در کنسرت پیش‌رو، این روزها مسترکلاسی نیز در حال برگزاری دارد.

کافه کتاب

فراخوان جایزه شعر احمد شاملو

گروه ادب و هنر | موسسه «الف. بامداد» در نظر دارد به‌منظور ارج‌نهادن به شعر امروز فارسی و گرامیداشت یاد شاعر بزرگ معاصر احمد شاملو (ا. بامداد) هر ساله در سالروز تولد او (۲۱ آذر) به بهترین کتاب‌های شعر نو منتشرشده در طول سال قبل جایزه‌ای اعطا کند. هیات‌امنای موسسه الف. بامداد با معرفی حافظ موسوی به‌عنوان دبیر نخستین دوره جایزه شعر احمد شاملو، از شاعران و نیز ناشرانی که در زمینه انتشار شعر فعالیت دارند، درخواست کرده سه نسخه از کتاب‌های چاپ اول شعر نو خود را که سال ۱۳۹۳ منتشر شده‌اند حداکثر تا پایان شهریور امسال، به نشانی تهران، همت غرب (شهید خرازی)، شهرک امید دژبان، مجتمع مسکونی طلوع فجر، ارغوان ۲، هشتم غربی، واحد ۲۳ (حافظ موسوی) ارسال کنند.

سینما

هجوم تازه مکری

گروه ادب و هنر | شهرام مکری با فیلم اولش که تازه اکران شده در صدر فیلم‌های گروه هنر و تجربه است. «اشکان، انگشتر متبرک و چند داستان دیگر» یک روایت درهم‌تنیده دارد که پس از فیلم سینمایی «ماهی و گربه» اکران شد. انگار مکری از اکران فیلمش در این گروه سینمایی راضی است و خبر داده نوشتن فیلمنامه بعدی‌اش با نام «هجوم» را به پایان رسانده است. فیلم «اشکان...» هشت سال پس از ساخته شدن اکران شده است و مکری می‌گوید ایده و افکار جدیدی به سراغش آمده اما فکر می‌کند فرمی که در فیلم «ماهی و گربه» وجود دارد به مدلی که در سینما فکر می‌کند، نزدیک‌تر است. اما مکری می‌گوید که فیلمنامه تازه‌اش داستانی پررنگ‌تر از «ماهی و گربه» دارد و با داستانی معمایی روبه‌رو هستیم. این فیلم همچنان فضای تجربه‌گرای خودش را برای پرداخت داستان‌های معمایی و فیلم‌های ژانر دارد و یک نوع تجربه در ژانر است که در سینمای ما کمتر به کار می‌رود.

سینما

گلزار در بمبئی

گروه ادب و هنر | محمدرضا گلزار می‌خواهد در فیلم سینمایی «سلام بمبئی» به کارگردانی قربان محمدپور و تهیه‌کنندگی جواد نوروزبیگی بازی کند. این فیلم تولید مشترک ایران و بالیوود است و اولین بازیگری هم که برای بازی در این فیلم انتخاب شده، گلزار است. البته این سوپراستار سینمای ایران قرار است در این فیلم به زبان انگلیسی صحبت کند. این روزها کمپانی «موشن‌پیکچر» با بازیگران مدنظر کارگردان و تهیه‌کننده وارد مذاکره شده و طی روزهای آینده با آنها قرارداد امضا خواهند کرد. در «سلام بمبئی» به جای رقص و آواز که رسم معمول سینمای هند است، چهار کلیپ طراحی شده و Sonu Nigam خواننده سرشناس هند قرار است چهار ترانه برای این فیلم بخواند. همچنین تدوین همزمان فیلم در بمبئی انجام می‌شود تا اولین نمایش آن در جشنواره فیلم فجر باشد.

موسیقی

حسن ختامی برای کنسرت

گروه ادب و هنر | این آخرین‌باری است که سهیل نفیسی می‌خواهد در یک کنسرت آهنگ‌های پرطرفدارش را با گیتار بخواند. نفیسی توانست با آهنگ‌هایی که می‌خواند، توجه بسیاری از اهالی موسیقی را به صدا و گیتار و آهنگسازی‌اش جلب کند. او وقتی متفاوت‌تر جلوه کرد که از موسیقی بندرعباسی و لهجه بندری در ترانه‌هایش استفاده کرد که میراثی بود از ابراهیم منصفی که موسیقی بندرعباس مدیون ترانه‌ها و موسیقی اوست. سهیل نفیسی روزهای ۱۶ و ۱۷ مرداد ساعت ۲۱ در تالار آسمان فرهنگستان هنر روی صحنه می‌رود و رپرتوارهای آثار قبلی‌اش را تمام می‌کند. با این همه نفیسی در کنار برگزاری این کنسرت مشغول تدارک آلبوم جدیدش است که در این آلبوم از شعرهای حافظ استفاده کرده است.